

مقدمه مترجم

تفاوت میان گلایه کردن و نقد کردن بسیار است. یکی شخصی است و از احساسات و عواطف و علقه‌ها و غرض‌های فرد گله‌مند حکایت دارد، در حالی که دیگری بر پایه خردمندی استوار است و می‌کوشد فارغ از هر سوگیری شخصی به بررسی نقاط ضعف و قوت موضوع نقد در قالب گفتمانی خاص بپردازد. نقد نوعی گفتگو و ارتباط است میان منتقد و اثر یا موضوعی که نقد می‌شود و بنابراین کنشی اجتماعی است، حال آنکه گله‌ها پشت درهای بسته و معمولاً در حضور کسانی غیر از افراد پاسخگو مطرح می‌شوند و به همین دلیل از تأثیرگذاری اجتماعی عاجزند.

امروزه به یمن توسعه دامنه و امکان دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی و شکل‌گیری گفتگوهای گسترده میان اندیشه‌ها و شیوه‌های گوناگون علمی در سرتاسر جهان این امکان فراهم آمده است تا جوامع مختلف با فرهنگ‌های گوناگون، حوزه‌ها و روش‌های دانش را از یکدیگر وام گیرند و از این طریق به غنا و گستره شمول فرهنگ و دانش خود بیفزایند. همان‌گونه که جوامع اروپایی و آمریکایی از دو سده گذشته تاکنون برای پر کردن فقدان دیدگاه‌های اشرافی و متمایل به وحدت در فرهنگ دانشگاهی خود به منابع دانش خاورمیانه و شرق دور پناه آورده‌اند، جامعه ما نیز در این گفتگوی متقابل به وام گرفتن روش‌های شناخت و نقد غربی مبادرت کرده است.

کتابی که در دست دارید، همان‌گونه که از نامش پیداست، «درآمدی» است به رویکردها و روش‌های انتقادی که از اوایل سده بیستم تا به امروز در نظام دانشگاهی اروپایی و آمریکایی پدید آمده‌اند. در انتهای هر فصل در بخش اول و هر مدخل در بخش دوم کتاب فهرست مفصلی از منابع و متون اصلی هر نظریه به دست

داده شده که بسیاری از آن‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند و دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند برای کسب دانش بیشتر در زمینه هر نظریه به این منابع مراجعه کنند. مهم‌ترین جامعه مخاطبانی که این کتاب به منظور استفاده آنان ترجمه و منتشر شده است پژوهشگران هنر هستند، زیرا بر این باور بودیم که پژوهشگران می‌توانند با کمک اندیشه انتقادی به واکاوی و موشکافی در پیش‌فرض‌های موجود - که گاه براساس باورهای کهنه و غیر علمی شکل گرفته‌اند و به دلایل گوناگون هرگز مورد پرسش واقع نشده‌اند - پردازند و بدین ترتیب اصول علمی و نظری مباحث تحقیق خود را عمق و غنا بخشند و پیش‌برند. حوزه پژوهش هنر در کشور ما یکی از حوزه‌های دانشگاهی نوپیداست که چون کودکی که به سرعت می‌بالد برای حسن رشد و پرورش، تشنه و گرسنه چنین منابعی است.

اسامی‌ای که در بخش دوم برای خودشان مدخل جداگانه دارند، آنجا که در بخش اول و دوم به صورت پرننگ آمده‌اند معادل انگلیسی‌شان را در پانوشته ننوشته‌ام؛ خواننده برای دیدن معادل انگلیسی این نام‌ها باید به بخش دوم و به مدخل ویژه آن‌ها رجوع کند. همچنین لطفاً در خواندن دو واژه «خود» و «دیگری» دقت کنید. در برخی موارد دیگری به معنای other و خود به معنای ego به کار رفته است، در حالی که در بقیه موارد این دو واژه معنای عام خود در زبان فارسی را می‌رسانند. از آنجا که کتاب خود مقدمه مفصلی دارد که ساختار و نحوه استفاده از آن را توضیح داده است، سخن کوتاه می‌کنم و در خاتمه از استاد بزرگوارم، آقای شهرام زرگر صمیمانه تشکر می‌کنم که ترجمه مرا به سازمان «سمت» پیشنهاد دادند. این اثر را به افشین عزیزم تقدیم می‌کنم که انگیزه و پشتیبان من برای ترجمه و انتشار آن بود.

گلناز سرکارفرشی